

گفت و گو با مرضیه غنیمتی

## اوما پنیر

مستند «اوما پنیر» از جمله فیلم‌های کوتاه تحسین‌شده «مسابقات کشوری رشد» و همچنین مسابقات استانی «پرسش مهر» و «خوارزمی» است. این مستند که با امکانات محدود و هزینه‌ای اندک تولید شد، به چگونگی تهیه نوعی پنیر محلی پرداخته است و سازندگان آن نیز گروهی از دانش‌آموزان فعال شهرستان «سلطانیه» هستند.

هدف از انجام این سلسله مصاحبه‌ها، آشنایی بیشتر ما با آدم‌هایی است که شاید کمی بیشتر از سایر هم‌سن‌وسالانشان به دنبال یک زندگی متفاوت‌اند.

مرضیه غنیمتی از متولدین دهه هفتاد است و ... الف. پس از گذشت ۱۲ سال از روستای «قیاسیه» به دلیل نبود مدرسه راهنمایی و دبیرستان، به شهرستان «سلطانیه» از توابع استان زنجان مهاجرت می‌کند. ب. تحت تأثیر خانواده و اقوام به هنر علاقه‌مند و وارد هنرستان تصویربرداری می‌شود. ج. در سال ۱۳۹۲، اولین فیلم کوتاه خود را به جشنواره‌های استانی و کشوری تقدیم می‌کند. و. همه موارد

همان‌طور که مشاهده کردید، بر حسب اتفاق، تمام گزبنه‌های بالا برگرفته از واقعیت بود و ما نیز این بار به دنبال دست گذاشتن روی واقعیت‌های دیده نشده دانش‌آموزی در کشور هستیم. مرضیه غنیمتی مهمان این هفته مصاحبه با فیلم‌سازان جوان ماست.

خودشیرینی بیشتر دست به ساختن فیلم می‌زنند یا از دسته سر به‌هواهایی که هر کاری می‌کنند تا کاری نکرده باشند؟ منظورم از «کاری»، مشخصاً درس نخواندن است!

راستش بیشتر به خاطر خودشیرینی! درس من بد نبود. با ساختن فیلم خب بین معلم‌ها هم محبوب‌تر می‌شدم ... (می‌خندد)

پس حتماً بعد از برگزیده شدن فیلم به بقیه پز هم دادید؟

(این بار قبل از اینکه حرفی بزند، می‌خندد!) اصلاً یک روز دختر عمه‌ام و دیگران را جمع کردم که از فیلم خودم تعریف کنم. به هر حال کار اول بود.

فکر نمی‌کنید اعتماد به نفستان زیادی بالاست؟

خیلی‌ها مثل من اعتماد به نفس بالایی دارند. این خودبرتربینی نیست، فقط نمی‌گذارد که بین رقبای قوی احساس ضعف کنیم.

از برنامه‌های آینده‌ات چه خبر؟

از دو رشته خوشم آمده است: تربیت‌بدنی و تصویربرداری. البته خانواده با تربیت‌بدنی مخالف‌اند و من به خاطر پدر و مادرم سعی می‌کنم در همین رشته تصویربرداری به نتیجه مطلوب برسم.

پس شما هم مثل تمام بچه‌ها با

باعث ساده‌تر شدن کار ما شد.

خب حالا چرا «اوما پنیر»؟

این نوع پنیر جزو محصولات نسبتاً کمیاب همین منطقه است و شاید در مناطق دیگر کشور چندان شناخته شده هم نباشد. همین موضوع باعث علاقه ما به ساخت مستند «اوما پنیر» شد. البته می‌خواستیم کمی هم فضای زندگی روستایی را در مستندمان نشان داده باشیم.

از هزینه فیلم، زمانی که برد و از مشکلاتتان برای بچه‌ها بگویید.

در مجموع کل هزینه‌ها به ۶۰ هزار تومان هم نرسید. کرایه دوربین و رفت‌وآمد به روستا به‌عهده مدرسه بود. از مشکلات هم ... فقط یکی دو تا رابطه دوستی به هم خورد (می‌خندد).

یعنی به خاطر فیلم؟

بیشتر به خاطر اینکه کار گروهی بود و ما تازه‌کار. کارگردانی و هماهنگ کردن همه چندان هم راحت نیست و همین هم یکی از مسائلی است که من و دوست‌هایم باید بیشتر در برابرش قوی باشیم.

شما جزو آدم‌هایی بودید که برای

خانم غنیمتی به عنوان سؤال اول، دوست دارم بدانم اصلاً از کجا خبردار شدید که چنین مسابقه‌ای برگزار می‌شود و چه دلیل یا انگیزه‌ای برای این کار داشتید؟

اطلاع‌رسانی از طریق مدرسه بود. ما هم به خاطر رتبه‌هایی که قبلاً در مسابقات گوناگون استانی داشتیم، فکر کردیم شاید امتحان کردن یک تجربه جدید در فیلم‌سازی جالب باشد.

با یک نگاه ساده

به تیراژها می‌شود متوجه این موضوع شد که حداقل ۲۰ تا ۳۰ نفر نیروی متخصص برای ساختن هر فیلم لازم‌اند. چرا شما فکر کردید که

امکان دارد تنهایی قادر باشید از پس چنین کاری بر بیایید؟

من و چند نفر از هم‌کلاسی‌ها با هم تصمیم به ساخت این فیلم گرفته بودیم. تدوین، تصویربرداری از پشت صحنه، تصویربرداری و کارگردانی بین ما تقسیم شده بود و از معلم‌ها، مجلات و اینترنت هم برای جلو بردن کار استفاده می‌کردیم. اینکه فیلم مستند بود و طراحی دکور یا لباس و ... نداشت، خودش

با ساختن فیلم خب بین معلم‌ها هم محبوب‌تر می‌شدم ...



## دارالکارتون / مهدی ولیزاده

### پسر عمه نباشید!

همه شما می‌توانید ادامه حکایت «روزی لقمان را گفتند ادب از که آموختی؟!» را کامل کنید. راستش هر وقت می‌خواهم روش لقمان را برای خودم بازسازی کنم، به این تصویر می‌رسم که لقمان یک بی‌ادب را نشانده است جلوی خودش و به او گفته است بی‌ادبی کن. بعد «هرچه او کرده؛ لقمان عکسش را انجام داده است.»

«پسر عمه زا» بهترین معلم است؛ البته از آن طرف! شما اگر می‌خواهید درهای موفقیت به رویتان گشوده شود و پله‌های ترقی را دوتا یکی بالا بروید، نباید بیل گیتس و استیو جابز را نگاه کنید. تنها چیزی که شما لازم دارید یک عدد پسر عمه‌زا است. هر کاری را که او می‌کند، فقط برعکس کنید. به همین راحتی، هم می‌توانید با اخلاق خوبتان توی دل فامیل و دوستان جا شوید و هم شاید صاحب یک شرکت چند ملیتی شوید و برای خانواده و کشور

افتخار باشید! البته تنها چیز خوب پسر عمه رک بودنش است که صدالبته شما این یک مورد را نباید برعکس کنید، بلکه تازه باید عین خودش را عملی کنید. البته توصیه می‌کنم خودتان موقعیت را بشناسید تا مثل من یک گردن شکسته و چندتا کبودی نصیبتان نشود؛ آخر می‌دانید، رک بودن همیشه هم خوب نیست!



## مشکل تفاوت بین نسلی بر خورد داشته‌اید؟

مشکل که نه ... مثلاً برای ساختن فیلم همیشه مجبور بودیم از فضای کلاس و مدرسه که تکراری هم شده بود، فیلم‌برداری کنیم. اجازه بیرون رفتن نداشتیم. برای همین مستند هم، بعد از کلی اصرار، مدرسه قبول کرد که در قالب اردوی آموزشی برای همه، ما هم فیلم‌برداری کنیم؛ یک روزه!

## ■ برای اینکه در مستند بعد این مشکلات را نداشته باشید، چاره‌ای هم پیدا کرده‌اید؟

دوست دارم موضوع مستند بعدی‌ام سنت‌های فراموش شده چهارشنبه‌سوری و فضای روستا باشد. اگر روستای پدری خودم و مراسمی را که مادر بزرگم برگزار می‌کند انتخاب کنم، نیازی به رفت‌وآمد به جاهای دورتر نیست.

## ■ و به عنوان سؤال آخر: نقص فیلم‌های ما چه چیزی بود که مرضیه غنیمتی را به عرصه سینما کشید؟

من همیشه فکر می‌کردم چه چیزی کمتر از بقیه سینماگرها دارم و فعلاً بیشتر دنبال نقص‌های خودم می‌گردم. واقعیت این است که هنوز به نقص‌های سینما فکر نکرده‌ام!